نیکوکاران دریادل در قرآن

مسعود خرسندی

انفطار - ۱۳

مؤمنان به آخرت، مردمانی دریادل هستند که چون کشتزارهای گندم سرشار از برکات برای همگانند و مردمان بر سر سفره‌شان مهمان هستند. آنان همان‌گونه که در برابر خدا به نماز می‌ایستند و بندگی را در بهترین جلوه‌های نیایش و پرستش به نمایش می‌گذارند، همچنین با انفاق، صدقات مالی، عفو، گذشت، احسان، اطعام، تواضع بهترین سطح اکرام اجتماعی را در حق همگان، در جایگاه «امت وسط» و «قوامین بالقسط و شهداء لله» به ظهور می‌رسانند؛ از همین رو بهترین مردمان در حق همگان حتی محیط زیست، مؤمنان به خدا و آخرت و نمازگزاران خاضع و خاشع هستند که در قرآن به عنوان ابرار شناخته می‌شوند.

مؤمنان حقیقی کسانی‌اند که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران ایمان دارند؛ بنابراین، در ساحت ارتباط اجتماعی با دیگران، هرگز اهانتی به کتب آسمانی چون زبور، تورات، انجیل، صحف ابراهیم(ع) نمی‌کنند و هیچ فرقی درباره نبوت پیامبران قائل نیستند و به آنان ایمان دارند و همان‌گونه که به پیامبر اکرم(ص) ایمان دارند، سایر پیامبران را نیز پیامبرانی الهی می‌دانند و به آنان احترام می‌گذارند و تکریم می‌کنند و مقامشان را پاس می‌دارند.

همچنین مؤمنان حقیقی چون به آخرت ایمان دارند، بر اساس آموزه‌های وحیانی هرگز دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دهند، بلکه آخرت را بر دنیا برمی‌گزینند.

بنابراین، برای نعمت‌های دنیوی و زینت‌های زندگی آن از جمله مال و فرزند و ثروت و قدرت، ارزشی ذاتی قائل نیستند و آنها را صرفا وسیله‌ای برای کمال‌یابی می‌دانند و اگر حسنات دنیوی را می‌خواهند از آن برای رسیدن به حسنات اخروی استفاده می‌کنند؛ یعنی آنها را باقیات صالحات آخرتی قرار می‌دهند. از همین رو به امور زندگی دنیوی به عنوان ابزار آخرت می‌نگرند و برای آن در همین حد و اندازه ارزش قائل هستند.

مؤمنان حقیقی چون به آخرت ایمان دارند، بر اساس آموزه‌های وحیانی هرگز دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دهند، بلکه آخرت را بر دنیا برمی‌گزینند. بنابراین، برای نعمت‌های دنیوی و زینت‌های زندگی آن از جمله مال و فرزند و ثروت و قدرت، ارزشی ذاتی قائل نیستند و آنها را صرفا وسیله‌ای برای کمال‌یابی می‌دانند و اگر حسنات دنیوی را می‌خواهند از آن برای رسیدن به حسنات اخروی استفاده می‌کنند؛ یعنی آنها را باقیات صالحات آخرتی قرار می‌دهند.

بنابراین، هیچ طمع و حرص نسبت به زینت‌های زندگی دنیوی ندارند و بسادگی آن را برای آخرت فدا می‌کنند. این‌گونه است که مال و جان خویش را برای آخرت می‌دهند تا رضایت خدا را بجویند و به مقام تقرب و قرب الهی برسند. این‌گونه است که مؤمنان حقیقی «هلوع» (حریص) نیستند(معارج، آیات ۱۹ تا ۳۵) و همه چیز از جان و مال خویش را برای خدا و در راهش می‌دهند، بلکه در مقام مظهریت و خلافت الهی، مسئولیت‌هایی را در قبال دیگران به عهده می‌گیرند و به یاری دیگران می‌روند. آنان دریادلانی هستند که همه آلودگی‌های خلقی را می‌گیرند و تصفیه می‌کنند و به همگان بخشش بی‌حساب می‌کنند و فروتنانه به دیگران می‌بخشند. (بقره، آیه ۱۷۷)

ویژگی‌های مؤمنان دریادل

خدا در قرآن، در سوره بقره آیه ۱۷۷ و معارج، آیات ۱۹ تا ۳۵ به دریادلی مؤمنان نمازگزار اشاره دارد و صفات و ویژگی‌های آنان را در ساحت اجتماعی مورد تاکید و توجه قرار داده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. انفاقات و صدقات مستحب: مؤمنان و معتقدان به خدا و غیب آخرت، به عنوان «ابرار» همان گونه که بر اقامه نماز در اوقات پنج‌گانه محافظت دارند(همان؛ بقره، آیه ۲؛ معارج، آیه ۳۴) اهل انفاق به دیگران هستند؛ یعنی هر چیزی که خدا به آنان هبه کرده و تفضل نموده را به گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌دهند تا دیگران نیز از آن بهره‌مند شوند. آنان از مالی که خدا به آنان بخشیده، صادقانه به عنوان نمادی از صداقت و راستی در ایمان، به دیگران می‌بخشند و انفاق می‌کنند. از همین رو خدا آنان را به عنوان نیکوکارانی معرفی می‌کند که از مال خود به خویشان، درراه ماندگان، مساکین، فقیران، سائلان و مانند آنها می‌بخشند؛ یعنی چه درخواستی از سوی کسی مطرح باشد یا مطرح نباشد، بر خود وظیفه و تکلیف می‌دانند که از مالی که خدا به آنان داده، بخشی را به دیگران صدقه دهند.(بقره، آیه ۱۷۷؛ معارج، آیه ۲۶) خدا در قرآن بیان می‌کند که صدقات آنان به دیگران از مال در اختیار، به نشانه ایمان به آخرت و روز حسابرسی است؛ در حقیقت آنان با خدا معامله می‌کنند و پاداش و جزای اعمال خویش را در آخرت می‌جویند. صدقات مالی را صدقه گفته‌اند که بیانگر تصدیق به آخرت و حسابرسی آن است. (معارج، آیه ۲۶) به سخن دیگر، همان گونه که «صداق» در ازدواج از سوی مرد به زن داده می‌شود تا بیانگر صدق و راستی او در ازدواج باشد، همچنین صدقات مالی به دیگران که از سوی مؤمنان پرداخت می‌شود، نشانه‌ای از صداقت و تصدیق آنان نسبت به آخرت و حسابرسی آن است. از نظر قرآن، همه انفاقات مالی مؤمنان که در قالب مستحب پرداخت می‌شود، نوعی صدقه است که بیانگر صدق و راستی آنان در اعتقاد به آخرت است.(معارج، آیه ۲۶)

۲. انفاقات واجب و پرداخت خمس و زکات: از دیگر ویژگی‌های مؤمنان دریادل، انفاقات واجب مالی از خمس و زکات است. این نوع کمک مالی که در اختیار دولت اسلامی قرار می‌گیرد، غیر از صدقات مستحب است که شخص مستقیما به نیازمندان و خویشان و مساکین و فقیران و سائلان می‌دهد؛ مؤمنان با پرداخت واجب مالی دست دولت اسلامی را باز می‌گذارند تا بتواند تاثیرگذاری داشته باشد. پرداخت زکات از سوی مؤمنان به دولت اسلامی این قدرت را به آن می‌بخشد تا اقدامات تاثیرگذار در جامعه انجام دهد. افزون بر اینکه دولت اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از اموالی که در اختیارش از طریق انفال و فیء و زکات و خمس قرار می‌گیرد، فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد و در زمینه جلب قلوب غیر مسلمانان نیز از آن بهره گیرد. به هر حال، از نظر قرآن، افزون بر صدقات و انفاقات مالی مستحب، نوعی از انفاقات است که به عنوان انفاق واجب جزو حق‌الله و حق‌الناس است که باید پرداخت شود. این انفاقات به عنوان خمس و زکات شناخته می‌شود و احکام خاص آن در فقه اسلامی با تمام جزئیات و مستحقان و مصارف آن بیان شده است. مؤمنان دریادل نسبت به این امر انفاقی آگاهی داشته و آن را به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی به‌جا می‌آورند.(بقره، آیه ۱۷۷)

۳. وفای به عهد: عهد و پیمان به دو قسم عهد الهی که از آن به عهد الست نیز یاد می‌شود، و عهد با خلق تقسیم می‌شود. هر انسانی در «الست» متعهد شده تا «شهداء لله» باشد و شاهد ربوبیت و پروردگاری خدا باشد؛ یعنی به گونه‌ای عمل کند که ربوبیت و پروردگاری خدا را به نمایش گذارد. این حقیقت جز با بندگی و عبودیت خدا بر اساس شریعت و دین الهی شدنی نیست اما بیشتر مردم با دفن فطرت و الهامات الهی، راه فجور را در پیش می‌گیرند و از حقیقتی که در ذات آنان نهادینه و سرشته شده، غافل می‌شوند؛ یعنی از چیزی که در وجودشان است و با تعقل و تفقه و تفکر می‌توانند آن را در خود بیابند، غافل می‌شوند و این‌گونه بندگی خدا را از دست می‌دهند.(اعراف، آیه ۱۷۲؛ شمس، آیات ۷ تا ۱۰) از مصادیق عهد الهی پذیرش ولایت الهی پیامبران و معصومان(ع) و اطاعت از اولی‌الامر و امامت آنان است که کامل‌ترین، آسان‌ترین و بهترین شیوه رسیدن به بندگی خدا است. البته از نظر قرآن، انسان‌ها در برابر یکدیگر تعهداتی دارند که آن نیز از مصادیق عهد الهی است؛ اما غیر از آن هر انسانی با دیگران پیمانی در قالب قول و قرار و عهد و معاهده و مانند آنها می‌بندند که باید بدان وفا کند حتی اگر مجازات ظاهری دنیوی مانند زندان و شلاق را به دنبال نداشته باشد. از نظر قرآن، مؤمنان دریادل چون خداترس هستند و نسبت به دوزخ خشم الهی دلنگران هستند، وقتی تعهدی می‌دهند بدان عمل می‌کنند حتی اگر به ضرر خودشان باشد. (بقره، آیه ۱۷۷؛ معارج، آیات ۱۹ تا ۳۵)

۴. صبر در سختی و ضرر: انسان در زندگی دنیوی گرفتار انواع سختی و زیان و جنگ و درگیری می‌شود. اینها مصیبت‌هایی است که بیشتر آنها در چارچوب سنت ابتلا و آزمون بر انسان وارد می‌شود. بسیاری از ابتلائات با شرور و مصیبت‌های دردناک و ضرر و زیان همراه است.(انبیاء، آیه ۳۵؛ بقره، آیات ۱۵۵) صبر بر این امور ابتلایی به معنای پذیرش مشیت حکیمانه الهی؛ یعنی رضا به قضای الهی است. از نظر قرآن، مؤمنان هرگز جزع و فزع نمی‌کنند، بلکه صبر و استقامت در کار دارند و از صراط مستقیم اطاعت خارج نمی‌شوند؛ بنابراین در مسائل اجتماعی مانند جنگ حضور می‌یابند و در دفاع از امنیت مردم و مسلمانان وارد میدان نبرد می‌شوند و با صبر در این امور با توکل بر خدا به سلامت از آن عبور می‌کنند. درحقیقت برای مؤمنان دریادل همان گونه که از مال گذشتن آسان است، از جان گذشتن نیز آسان است.(بقره، آیه ۱۷۷)

از نظر قرآن، همه انفاقات مالی مؤمنان که در قالب مستحب پرداخت می‌شود، نوعی صدقه است که بیانگر صدق و راستی آنان در اعتقاد به آخرت است.

۵. عفو و گذشت: از دیگر ویژگی‌های مؤمنان دریادل، عفو و گذشت از خطا و گناه دیگران به‌ویژه قتل است.

مؤمنان نسبت به خطا و گناه دیگران عفو می‌کنند؛ زیرا خدا را «عَفُوّ» می‌دانند و درصدد هستند تا صفات الهی از جمله عفو را برای خویش ایجاد کنند و مظهر این صفت و اسم الهی شوند. از همین رو آنان حتی نسبت به قتل به جای قصاص عفو پیشه می‌کنند و این‌گونه ابرار بودن خود را به نمایش می‌گذارند. (بقره، آیات ۱۷۷ و ۱۷۸)

۶. عفت جنسی: مؤمنان نسبت به ناموس خویش و دیگران حساس هستند و بی‌غیرتی پیشه نمی‌کنند. بنابراین، در مسائل جنسی جز به حلال و طیب راضی نمی‌شوند؛ چنان‌که در امر خوراکی و نوشیدنی یا امور دیگر بر آن هستند تا تنها از حلال و طیب استفاده کنند و دنبال خبیث و حرام نروند. از همین رو مؤمنان در زندگی اجتماعی، عفت جنسی را پیشه می‌کنند.(معارج، آیات ۱۹ تا ۳۵)

۷. رعایت امانت: انسان مؤمن، انسانی با نفس معتدل و قلب سالم است. مؤمنان حقیقی به اصول اخلاقی که فطرت، آن را کشف می‌کند، از جمله صداقت، عدالت، امانت و مانند آنها عمل می‌کنند. مؤمنان در هیچ چیزی خیانت نمی‌کنند و اهل امانت در هر چیزی از جمله اموال و اسرار هستند و خیانت چشم و خیانت جنسی و مانند آنها ندارند.(همان)

۸. گواهی به حق: مؤمنان براساس فطرت الهی، حق‌شناس و حق‌گرا هستند و هر گاه حقی را دیدند بدان گرایش داشته و از باطل‌گریزان هستند. بنابراین، اگر حقی را شناختند و دانستند به دفاع از آن می‌پردازند؛ خواه این دفاع در میدان عمل اجتماعی باشد یا در ساحت قضائی و به عنوان شاهد و گواهان حق برای اجرای عدالت.(همان) البته در قرآن ویژگی‌های متعدد دیگری برای مؤمنان نمازگزار دریادل بیان شده که آنچه در این‌جا بیان شد مشتی از خروار است.

اهمیت تسبیح خدا

واژه تسبیح، از ریشه «سبح» به معنای حرکت پرشتاب(مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۳۹۲، «سبح»)، همانند حرکت پرشتاب ماهی در آب و شناگری است. بنابراین، کسی که تسبیح می‌کند، ضمن تنزیه خدا از هر گونه عیب و نقص و تاکید بر تمامیت خدا در جمیع کمالات، خود را در شرایطی قرار می‌دهد که همانند ماهی، پرشتاب در عوالم و نشئات هستی به سوی کمال بندگی و کسب صفات الهی تلاش می‌کند؛ چرا که کسب این صفات که آن را نهایتی نیست، نیازمند حرکت و صیرورتی است که حد و مرزی برای آن نیست تا بدانجا توقف شود و انسان از حرکت و شدن‌ها باز ایستد.

آثار تسبیح خدا

بر اساس گزارش‌های قرآنی، همه هستی در حال تسبیح خدا هستند(اسراء، آیه ۴۴) که ابعاد ژرف تسبیح هستی برای عموم مردم غیر قابل درک و فهم دقیق است.(همان) اما پیامبران و مؤمنان اهل تسبیح در صیرورت کمالی خویش تسبیح هستی را می‌شنوند و می‌فهمند، حتی از آنجا که انسان می‌تواند خلیفةالله باشد، هرگاه به چنین مقامی برسد هستی تابع تسبیح او می‌شود؛ چنان‌که براساس گزارش قرآنی خدا کوه‌ها و پرندگان را به تسخیر حضرت داود(ع) درآورده بود تا با ایشان تسبیح گویند.(انبیاء، آیه ۷۹)

بر طبق تعالیم قرآن، هر کسی بخواهد از ظلمات رهایی یابد و به نورانیت برسد باید از تسبیح الهی بهره گیرد؛ چنان‌که حضرت یونس در ظلمات سه‌گانه ظاهری شکم ماهی و دریا و شب، و ظلمات سه‌گانه باطنی حسی و خیالی و عقلی و نشئات آن، به تسبیح «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» توسل جسته و بر براق آن سوار شده و به نور رسیده است و هر کسی که چنین کند می‌تواند به چنان نورانیت برسد و از ظلمات گوناگون رها شود.(انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸؛ صافات، آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴)

خدا بارها از ارزش و اهمیت تسبیح الهی سخن گفته است و پیامبر(ص) و مؤمنان مکلف شده‌اند تا در طول شبانه‌روز از تسبیح الهی گویند و دست‌کم در هنگام اوقات نمازهای پنج‌گانه به‌ویژه در ذکر رکوع و سجود «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و «سبحان ربی العظیم و بحمده» را تکرار کنند و با تسبیح در سجده به معراج بروند که نماز، معراج مؤمن است.

البته آثار دیگری برای تسبیح الهی همچون اجابت دعا (انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸)، رفع دلتنگی و ضیق صدر(حجر، آیات ۹۷ و ۹۸)، مصونیت از عذاب دنیوی(قلم، آیات ۲۰ و ۲۸ و ۳۳) و مانند آنها وجود دارد. از طرف دیگر ترک تسبیح خدا آثار مخرب و زیانباری چون محرومیت از نعمت‌های خدا دارد که باید به این مسئله توجه کرد و از تسبیح خدا غافل نشد.

با توجه به این آثار شگرف است که خدا بارها از ارزش و اهمیت تسبیح الهی سخن گفته است و پیامبر(ص) و مؤمنان مکلف شده‌اند تا در طول شبانه‌روز از تسبیح الهی گویند و دست‌کم در هنگام اوقات نمازهای پنج‌گانه(طه، آیه ۱۳۰؛ ق، آیات ۳۹ و ۴۰؛ طور، آیات ۴۸ و ۴۹) به‌ویژه در ذکر رکوع و سجود «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و «سبحان ربی العظیم و بحمده» را تکرار کنند و با تسبیح در سجده به معراج بروند که نماز، معراج مؤمن است. (اعلی، آیه ۱؛ واقعه، آیات ۷۴ و ۹۶؛ حاقه، آیه ۵۲؛ حجر، آیه ۹۸)

اگر انسان همراه با استغفار تسبیح خدا گوید، اجابت دعا از سوی خدا قوی‌تر است و خدا در مقام «تواب» برایش ظهور می‌کند: فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابًا. (نصر، آیه ۳)

همچنین عبور از شرایط دشوار در سایه صبر و تسبیح میسر خواهد بود.(طه، آیه ۱۳۰) بنابراین نمی‌توان از ذکر تسبیح و سبحان‌الله بسادگی گذشت، بلکه لازم است ارزش و اهمیت آن را دانست؛ زیرا توجه به این امر عظیم نه تنها جایگاه بی‌مانند خدا را مشخص می‌کند، بلکه می‌توان به ملکوت حقایق نیز دست یافت.(یس، آیات ۸۲ و ۸۳؛ طه، آیات ۱۲۸ و ۱۳۰)

کسانی که دارای تقوای الهی هستند، به آثار علمی آن نیز دست می‌یابند که علم‌الیقین و عین‌الیقین و حق‌الیقین به تعلیم الهی است.(بقره، آیه ۲۸۲؛ تکاثر، آیات ۵ و ۷؛ واقعه، آیه ۹۵) از نظر قرآن دستیابی به هر مرتبه‌ای از مراتب این یقین ارتباط تنگاتنگی با تسبیح الهی دارد؛ از همین رو خدا در قرآن، تسبیح الهی را با حق یقین مرتبط دانسته و می‌فرماید: و بی‌تردید این قرآن، حقّی یقینی است. پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (حاقه، آیات ۵۱ و ۵۲)؛ زیرا شخصی که در مقام حق‌الیقین قرار دارد عظمت الهی را درمی‌یابد و با آنکه در این سطح از حقانیت و یقین رسیده باز راه را بی‌نهایت می‌داند؛ چون عظمت الهی را پایانی نیست هر چند که شخص اهل حق یقین به مرتبه حق یقین رسیده باشد؛ یعنی همچون پروانه در آتش شده و خود آتش شده، اما باز عظمت الهی فراتر از آن است که قابل ادراک برای انسانی باشد که گرفتار «حدود» است.

حسین پورفرضی

ضرورت خواندن روزانه قرآن و آثار آن

حسن امیریان

بررسی زندگی عموم مسلمان اعمّ از شیعه، سنی، مقید و غیر مقید نشان می‌دهد که خواندن قرآن در جامعه ما هنوز یک امر عمومی نشده است. عموم مردم به قرآن احترام می‌گذارند و به آن عشق می‌ورزند اما عده کمی همواره آن را می‌خوانند و عده کمتری در آن تدبر می‌کنند. ارتباط و استفاده مردم از قرآن، به طور عمومی در حدّ ثبت کردن در مهریه دختران، قراردادن در طاقچه خانه نوعروسان، رد شدن از زیر آن هنگام رفتن به مسافرت، تلاوت کردن با صدای خوش و در بهترین حالت حفظ کردن آن است. درصورتی‌که آموزه‌های دینی بر ارتباط هرچه بیشتر با قرآن بسیار تاکید می‌کنند.

یکی از انواع ارتباط‌ها با قرآن، خواندن روزانه آن است که جزء با ارزش‌ترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و در آیات و روایات بسیار بر آن سفارش شده است. این کار به اندازه‌ای اهمیت دارد که خداوند در آیه ۲۰ سوره مزّمّل دو بار با عبارت «فَاقْرَؤا ما تَیَسَّرَ مِنَ القُرآن»؛ آنچه را از قرآن برای شما میسّر است بخوانید، بر آن تاکید کرده است. همچنین یکی از وصیت‌های پیامبر(صَلی‌اللهِ‌عَلیه‌وَآله) به امیرمؤمنان علی(ع) تلاوت مستمرّ قرآن است، چنان‌که فرموده‌اند: «وَ عَلَیکَ بِتَلاوَةِ القُرآن عَلی کُلِّ حالٍ»؛ در همه حال و در هر شرایطی قرآن تلاوت کُن.[1]

بزرگانی مثل امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب نیز با توجه به همین تاکیدات، سعی در ارتباط مستمر با قرآن داشته و دیگران را به این کار توصیه کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی می‌گوید: امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند و این یکی از کارهای روزانه ایشان است که روی همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند که در آن ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و توجه به آیات قرآن و معانی آن می‌کنند.[2]

رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای انقلاب فرهنگی در هفدهم آذرماه ۱۳۸۶ با معظم‌له، می‌فرمایند: «اگر تحصیل‌کرده‌ها و فرهیختگان کشور روزی یک صفحه قرآن، با توجه به معنا بخوانند و در آن تدبر کنند، غوغایی در کشور بر پا می‌شود؛ این کار به فرهنگ‌سازی و تدبیر نیاز دارد.»

همچنین ایشان در دیدار با دانش‌آموزان فرمودند: «عزیزان من! با قرآن انس داشته باشید؛ با قرآن انس پیدا کنید. هر روز یک مقداری- ولو چند آیه- قرآن بخوانید و توجّه به معانی قرآن پیدا کنید. قرآن انسان را هدایت می‌کند: اِنّ هذَا القُرءانَ یَهدی لِلّتی هِیَ اَقوَم؛ انسان را به راه راست هدایت می‌کند.»[3]

حال با توجه به این تاکیدات باید دید قرائت روزانه و مستمر قرآن چه خصوصیتی دارد که در آموزه‌های دینی این اندازه بر آن تاکید شده است. تتبع و جست‌وجو در آیات و روایات، نشان می‌دهد که هدایتگری، غفلت‌زدایی و ایجاد انس و الفت از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم است که در پی قرائت مستمرّ آن ظهور و بروز پیدا می‌کند. برای روشن‌شدن بحث، به توضیح هر کدام می‌پردازیم:

۱. هدایتگری

آن‌گونه که در آموزه‌های دینی آمده است هدف از آفرینش انسان، این است که در پرتو عبودیت و بندگی خداوند متعال، به کمال و مقام قرب الهی رسیده و در نتیجه از رحمت بی‌پایان الهی بهره‌مند شود.[4] اما از آنجا که انسان در تاریکی‌های جهل این دنیا، بدون راهنما، مسیری جز به سمت هلاکت و نابودی ندارد[5]، قرآن کریم به عنوان بهترین راهنمای بشر با ویژگی‌های خارق‌العاده (دارا بودن دانش آینده، اخبار گذشته و درمان دردها و نظم میان انسان‌ها)[6] در این دنیا او را به سمت سرمنزل مقصود هدایت و راهنمایی می‌کند[7] پس انسانی که به دنبال رسیدن به سعادت و کمال است، بایسته است در تمامی لحظات خود راهنمایش را همراه داشته باشد و خواندن آن را جزء برنامه زندگی خود قرار دهد تا علاوه‌بر ایجاد شناخت نسبت به هستی، دستوراتی را نیز از آن دریافت کند که بر پایه آن می‌تواند به سعادت دنیا و آخرت دست یابد، به‌ویژه آنکه قرآن از سوی خداوندی فرو فرستاده شده است که آفریدگار و پروردگار هستی و انسان است و خیر و صلاح وی را بیشتر می‌داند و می‌خواهد.[8]

۲. زدودن زنگارهای غفلت

طبق آیه ۵۶ سوره مبارکه ذاریات، هدف از خلقت انسان، عبادت خداوند متعال و رسیدن به کمال است، اما بیشتر انسان‌ها به خاطر توجه بیش از اندازه به دنیا و غرق شدن در مظاهر دنیوی، همچنین به خاطر آرزوهای دور و دراز و تمایلات نفسانی دچار فراموشی و غفلت از حقیقت عالم هستی می‌شوند.[9]

از این رو خواندن روزانه قرآن به عنوان عامل غفلت‌زدا در آموزه‌های دینی مورد تاکید قرار گرفته است. به بیانی دیگر، انسان برای معرفت خداوند و بندگی او پا به عرصه دنیا گذاشته است تا در سایه آن به اوج ارزش‌های معنوی و کمال روح برسد. ولی از آنجا که دنیای مادی طبیعتا غفلت‌زاست، از این رو کسی که به بیماری غفلت و نسیان مبتلا شود، حقیقت انسانی خویش را از یاد می‌برد و فراموش می‌کند که در نظام عالم، ذره‌ای ناچیز است و برای تداوم حیات و طی کردن مسیر رشد و تعالی، هر لحظه نیازمند فیض و عطای الهی است. به همین خاطر یکی از اعمالی که آیات و روایات به صورت ویژه مخاطبان خود را به انجام آن دعوت می‌کنند، استمرار و دوام ذکر و یاد الهی است. قرآن کریم به عنوان مصداق اصلی ذکر و یاد الهی[10] زنگارهای قلب انسان را که از بی‌توجهی و غفلت ایجاد شده است زدوده و قلب او را صیقل می‌دهد و دل مرده او را زنده می‌کند.

رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «إنّ هذهِ القُلوبَ تَصدأُ کما یَصدأُ الحَدیدُ إذا أصابَهُ الماءُ. قیلَ: وما جَلاؤها؟ قالَ: کَثرَةُ ذِکرِ المَوتِ وتِلاوَةِ القرآنِ؛ همچنانکه آهن اگر آب به آن رسد زنگ می‌زند، این دلها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: صیقل دادن آنها به چیست؟ فرمود: بسیار به یاد مرگ بودن و تلاوت قرآن.»[11]

رسو ل خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: همچنان‌که آهن اگر آب به آن رسد زنگ می‌زند، این دل‌ها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: صیقل دادن آنها به چیست؟ فرمود: بسیار به یاد مرگ بودن و تلاوت قرآن.

حجت‌الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی می‌گوید: امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند و این یکی از کارهای روزانه ایشان است که روی همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند که در آن ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و توجه به آیات قرآن و معانی آن می‌کنند.

وَ عَنْ أَنَس، قَالَ: قَالَ لِی رَسُولُ اللّهِ(ص): «یَا بُنَیّ، لاَ تَغْفُلْ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرآن- إِذَا أَصْبَحْتَ، وَ إِذَا أَمْسَیْتَ- فَإِنّ الْقُرْآنَ یُحْیِی الْقَلْبَ الْمَیّتَ، وَ یَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْکَر؛ انس گوید: پیامبر به من فرمود: فرزندم از خواندن قرآن غافل مباش، زیرا که قرآن دل مرده را زنده می‌کند و از فحشاء و زشتی باز می‌دارد.[12] در همین رابطه امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «بِدَوَامِ ذِکْرِ اللّهِ تَنْجَابُ الْغَفْلَةُ؛ با استمرار یاد خدا، آثار غفلت زدوده می شود.»[13]

۳. ایجاد انس و الفت

ذکر و یاد محبوب، از آثار و نتایج محبت است و محبّ و عاشق همواره دوست دارد که از معشوق خود یاد کند و هرچه این یادکردن بیشتر شود، محبت نیز شدیدتر می‌شود.[14] تا جایی که بین محبّ و محبوب یک نوع انس و الفتی برقرار می‌شود و قلب شخص محبّ جز به وجود محبوب خود آرام نمی‌گیرد.[15]

حال اگر انسانی در دل، محبّت خدا را داشته باشد، سعی می‌کند همه اوقاتش را به مجالست و همنشینی با محبوب خود بگذراند، ولی از آنجا که این مجالست برای بنده‌ای که در ابتدای مسیر بندگی خداوندگار خویش است، فقط به صورت ذکر و یاد محبوب امکان‌پذیر است، پس او تلاش می‌کند زبان و دلش را مشغول ذکر و یاد خداوند کند. و چون روایات، برترین نوع ذکر و یاد الهی را در قالب خواندن قرآن کریم معرفی می‌کنند، قرآن وسیله‌ای می‌شود برای ارتباط‌گیری عاشق با معشوق خویش و نتیجه این ارتباط، این است که آرامش از طرف خداوند متعال نازل شده و قلب شخص محب و عاشق را دربر می‌گیرد. و اگر این یاد محبوب ادامه داشته باشد، در نهایت به درستکاری و رستگاری منجر می‌شود.

نکته‌ای که بیان آن در این‌جا لازم است، این است که منظور از قرائت روزانه قرآن که فواید سه‌گانه مذکور را در پی دارد، خواندن صرف یا همان قرائت، نیست بلکه منظور از آن، خواندن همراه با پیروی و تبعیت بدون واسطه است و این تبعیت در قالب تدبر و اندیشه در آیات الهی نمود پیدا می‌کند و در زبان عربی از آن به (تلاوة) تعبیر می‌شود.[16]

امیرالمؤمنین(ع) درباره قرائت همراه با تدبر و اندیشه در آیات و معانی قرآن می‌فرمایند: «اَلا لا خَیرَ فی قِراءَةٍ لَیسَ فیها تَدَبُّرٌ؛ آگاه باشید در قرآن خواندنی که تدبر در آن نباشد، خیری نیست.»[17]

با توجه به مطالبی که بیان شد، نتیجه می‌گیریم که خواندن قرآن کریم به شکل مستمر و همراه با اندیشه و تفکر در آیات و معانی آن، یک ضرورت عقلانی است که هم آیات و روایات بر آن تاکید دارند و هم علما و بزرگان دین بر آن سفارش کرده‌اند. چنان‌که به فرموده رهبر معظم انقلاب، اگر این توصیه به معنای واقعی آن در جامعه اتفاق بیفتد، شاهد یک تحول عظیمی در جامعه خواهیم بود.

۱. بحارالأنوار، ج۶۶، ص۳۹۲.
۲. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۵.
۳. بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۹/۲۳.
۴. تفسیر نمونه، ج۲۲، ص۳۸۴.
۵. بقره/۲۵۷.
۶. نهج‌البلاغه (صبحی‌صالح)، خطبه ۱۵۸.
۷. بقره/۱۸۵.
۸. تغابن/۳.
۹. یونس/۹۲؛ روم/۷.
۱۰. قال امیرالمؤمنین(ع): «أفضلُ الذّکرِ القرآنُ، به تُشرَحُ الصُدورُ، و تَستَنیرُ السّرائِرُ؛ برترین ذکر قرآن است، به آن سینه‌ها گشاده شود و درون‌ها روشن» (غررالحکم، ج۱، ص۲۰۹)
۱۱. کنز العمّال: ح ۴۲۱۳۰.
۱۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۱۹.
۱۳. غررالحکم، ۴۲۶۹.
۱۴. امیرالمؤمنین(ع): «اَلذِّکْرُ مُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ؛ ذکر و یادکردن، نشستن با محبوب است.»؛ غرر الحکم: ۳۲۲.
۱۵. امیرالمؤمنین(ع): «اَلذِّکْرُ مِفْتَاحُ الْأُنْسِ؛ ذکر و یاد، کلید انس است»؛ غرر الحکم: ۵۴۱.
۱۶. مفردات الفاظ القرآن، ج۱، ص۳۴۶.
۱۷. اصول کافی، ج۱، ص۳۶.

چراغ راه

انگیزه‌های تحصیل علم

قال النبی(ص): «من تعلم لتکبرمات جاهلا، و من تعلم للقول دون العمل مات منافقا و من تعلمه للمناظرةْ مات فاسقا، و من تعلمه لکثرةْ المال مات زندیقا، و من تعلمه للعمل، مات عارفا».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: کسی که علم را برای خود بزرگ‌بینی و قدرت‌نمایی یاد بگیرد، اگر در این حال بمیرد جاهل از دنیا رفته است، و اگر کسی علم را برای سخن گفتن یاد بگیرد نه عمل کردن به آن، این فرد اگر در این حال بمیرد منافق مرده است، و اگر کسی علم را برای بحث و جدل با دیگران یاد بگیرد، اگر در این حال بمیرد فاسق و گمراه از مسیر حق مرده است، و اگر کسی علم را برای ازدیاد ثروت و اموال یاد بگیرد، اگر در این حال بمیرد زندیق (کافر) از دنیا رفته است. و بالاخره کسی که علم را فقط برای عمل کردن فرا بگیرد، اگر در این حال از دنیا برود، عارف مرده است.[1]

۱- مواعظ‌العددیه، آیت‌الله علی مشکینی(ره)، ص ۲۶۲

حکایت خوبان

ویژگی‌های قرآن

امام علی(ع) می‌فرماید: کتاب خدا قرآن در میان شما سخنگویی است که هیچگاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نگردد، و همواره گویا است. خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند... این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد.[1]

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۱۳۳

پرسش و پاسخ

شبهه حشر به تنهایی یا گروهی

پرسش:

قرآن کریم از یک‌سو می‌فرماید: «روز قیامت همه آنها تنها به سوی خدا خواهند آمد». یعنی انسان‌ها فردی محشور می‌شوند. اما از طرف دیگر می‌فرماید: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را (به سوی خود) می‌آورد» یعنی حشر جمعی به سوی خدا. آیا اختلاف این دو آیه موهم تعارض و تناقض است؟

پاسخ

آیات موهم تعارض

خداوند در قرآن کریم از یک‌سو می‌فرماید: «و کله